

بسم الله الرحمن الرحيم

ادامه نقد استاد معظم بر فرمایش محقق اصفهانی «رحمة الله عليه»

بیان شد که تعلّق اراده مولی به اجزاء یک شیء، نمی تواند منفکّ از تعلّق اراده او به شرایط آن شیء باشد تا اینکه تعدّد اراده و مراد را از این طریق توجیه کرده و صدور امر دوّم را تصحیح نماییم. بلکه طبق تحقیقی که بیان گردید، تعلّق اراده مولی به شرایط، در عرض تعلّق اراده او به اجزاء بوده و با این وجود، اگر مکلف اجزاء را بدون شرطی از شرایط مثل قصد قربت انجام دهد، یقیناً امر اوّل، از آن جهت که مکلف مأمور به آن را امتثال نکرده، ساقط نمی شود و زمانی که مأمور به انجام نگرفت و امر مولی اطاعت نشد، عقل از باب لزوم اطاعت مولی، مستقلاً حکم به انجام مأمور به می نماید و چون علی الفرض، تنها دلیل عدم تحقّق مأمور به و عدم تحقّق اطاعت مولی را فقدان قصد قربت می داند، لزوماً حکم به انجام مأمور به و اطاعت امر مولی به ضمیمه قصد قربت می نماید، بدون اینکه نیازی به صدور امر دوّم مولی باشد. بنا بر این صدور یک امر مولوی ثانوی نسبت به شرایط، جدای از امر اوّلی که به اجزاء تعلّق گرفته است، لغو و بیهوده می باشد.

نقد محقق نائینی بر فرمایش محقق خراسانی «رحمة الله عليهما»

ایشان علی ما فی اجود التقريرات، به این قسمت از کلام محقق خراسانی «رحمة الله عليه» در شقّ دوّم که فرمودند: «وقتی امر اوّل، با اتیان ذات عمل بدون قصد قربت ساقط نشد، عقل حکم به لزوم اتیان آن عمل با قصد قربت می نماید»، ایراد گرفته و می فرمایند: «وظیفه عقل حکم به لزوم اتیان عمل با فلان کیفیت نیست. بلکه شأن عقل تنها درک تعلّق و عدم تعلّق اراده مولی به شیء می باشد. و اقا آمریت و حکم کردن به لزوم اتیان عمل با کیفیت خاصّه، از شئون عقل نیست تا اینکه بتوان از عقل، به عنوان حاکمی در قبال شارع مقدّس یاد کرد. لذا اگر بنا باشد که عبد ملزم به انجام این عمل با قصد قربت شود، باید امر دوّمی از جانب شارع صادر شود تا از این طریق، او را به انجام عمل با کیفیت خاصّی دعوت کند که امر اوّل دلالت بر آن نداشت»^۱.

^۱ - ایشان در اجود التقريرات، جلد ۱، صفحه ۱۱۶، در مقام نقد استدلال کسانی که برای اثبات توضیلت در موارد شکّ بین توضیلت و تعبّدیت، به حکم عقل به اجزاء بعد از اتیان مأمور به استناد کرده اند. ابتدا مسأله متمّم جعل را مطرح نموده و سپس می فرمایند: «و توهم الاكتفاء بأمر واحد بالصلاة و إيكال الجزء الآخر و هو قصد القرية إلى حكم العقل لا معنى له فان شأن العقل انما هو الإدراك و ان هذا الشيء مما اراده الشارع أم لا و ليس الأمر و التشريع من شئونه حتى يكون هو شارعا في قبال الشارع فكما ان ذات الصلاة تعلق بها إرادة الشارع لكونها مما له دخل في غرضه كذلك لا بد و ان يكون داعي القرية متعلقاً لإرادته غاية الأمر انه لا يعقل ذلك بالأمر الأول فلا بد من الأمر الثاني المتمم للجعل الأول حتى يكون الأمر ان في حكم امر واحد».

نقد استاد معظم بر این بیان

استاد معظم فرمودند: بعد از نقد و بررسی فرمایش محقق اصفهانی «رحمة الله علیه»، بطلان کلام محقق نائینی «رحمة الله علیه» بر شقّ دوم بیان محقق خراسانی «رحمة الله علیه» روشن می گردد. وجه بطلان این سخن آن است که محقق خراسانی «رحمة الله علیه» مدّعی آمریت و حاکمیت عقل نیست، بلکه می فرماید عقل درک می کند که با انجام ذات عمل بدون قصد قربت، امر اوّل ساقط نشده است، چون مکلف مأمور به امر اوّل را انجام نداده و امر مولی را اطاعت نکرده است. با این وجود، عقل از طرفی لزوم اطاعت مولی را به لحاظ مولویت مولی درک می کند. و از طرفی دیگر تنها راه اطاعت و انجام مأمور به امر اوّل را انجام ذات عمل با قصد قربت می بیند. لذا در راستای عملی شدن واجبی به نام اطاعت مولی، تنها راه خروج از عهده امر اوّل و تحقق اطاعت را اتیان عمل به قصد قربت دانسته و نیازی به صدور امر مولوی دوم نمی بیند.

نتیجه بیان احتمال اوّل

بنا بر این، احتمال اوّل در باره مراد از تعدّد امر، یعنی وجود دو امر مستقلّ که هم در جعل، هم در مجعول و هم در ملاک و غرض استقلال داشته باشند، معقول نمی باشد. چون با این تفسیر، یا باید ملتزم به تعدّد مأمور به در واجبات تعبدیه شویم که این خلاف فرض بوده و واضح البطلان است و یا باید ملتزم به لغویت امر دوم شویم که صدور آن از مولای حکیم محال است.

و سیّاتی احتمال الثانی ان شاء الله تعالی عن المحقق النائینی «رحمة الله علیه» و هو المعروف بمتّم الجعل.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین»